

درس هایی از کتاب پیدایش

Drs Gijs van den Brink, 2020

منتشر شده در مجله Study Bible magazine 13.3

کتاب پیدایش درباره آفرینش "آسمان و زمین" می گوید و سپس در مورد منشاء بشریت پیدایش فصل های ۱ تا ۱۱ و ریشه قوم اسرائیل پیدایش فصل های ۱۲ تا ۵۰. چه چیزی را می توانیم از این کتاب فرا بگیریم؟

آفرینش انسان:

مهم ترین قسمت در داستان خلقت، آفرینش انسان است. خدا فرمود: « اینک انسان را بسازیم. ایشان مثل ما و شبیه ما باشد و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیوانات اهلی و وحشی، بزرگ و کوچک و بر تمام زمین حکومت کند. پس خدا انسان را شبیه خود آفرید. ایشان را زن و مرد آفرید. آن ها را برکت داده و فرمود: بارور و کثیر شوید....» پیدایش فصل ۱ آیات ۲۶ تا ۲۸

ما شبیه خدا آفریده شده ایم. این به این معنی است که در وهله اول ما فرمانروایانی تحت نظر خدا هستیم که این به نوبه خود مرتبه بسیار بالایی است و در مزامیر ۸ آیه ۶ از آن به عنوان اشرف مخلوقات نام برده شده است. به انسان مسئولیت زمین و حیوانات داده شده است. این یک مسئولیت بزرگ است که در زمان ما نیز، که در آن زمین به دلیل آلودگی و افزایش جمعیت شرایط خاصی دارد، اهمیتی دو چندان پیدا می کند.

اما موضوع به همین جا ختم نمی گردد. انسان می تواند بارور گردد. خدا انسان را به صورت مرد و زن آفریده است. او انسان را برکت داده است و از طریق برکت او می توانیم بارور و تکثیر شویم. همان طور که خدا انسان را شبیه خود آفریده است ما می توانیم فرزندان بیاوریم که شبیه خودمان هستند. این کار خالق است که امروزه نیز همچنان ادامه دارد. علاوه بر این، من می خواهم در مورد "شبیه ما" به نکته ای اشاره کنم. همان طور که خدا خود را در سه شخصیت (تثلیث) بر ما مکاشفه کرده است ما نیز دارای سه شخصیت یا کاراکتر اصلی هستیم که عبارتند از روح، جان و بدن. اول تسالونیکیان فصل ۵ آیه ۲۳. با بدن خود با جهان اطرافمان از طریق دیدن، شنیدن، بوییدن و مزه کردن در ارتباط هستیم. از طریق جان (ذهن، احساس، اراده) ما با جهان درون مان در ارتباط هستیم و با روحمان با جهانی که بالاتر از ماست یعنی همان دنیای روحانی (خدا، شیطان و ارواح) در ارتباط هستیم. ما یک تثلیث هستیم؛ زیرا ما شبیه خدا آفریده شده ایم. همچنین توجه به تفاوت بین آنچه که کتاب مقدس و قرآن در مورد انسان می گویند حائز اهمیت است. در قرآن می خوانیم که آدم به عنوان خلیفه و معاون وی در زمین آفریده شده است که آن را می توان با عنوان فرمانروا که در کتاب مقدس آمده است مقایسه کرد. اما قرآن درباره "تصویر" و "شبهات" با خدا صحبت نمی کند و به همین دلیل است که آدم نمی تواند در قرآن حیوانات را نامگذاری کند و باید صبر کند تا خدا آن ها را نام ببرد. اما در کتاب مقدس بر روی شبهات ما با خدا تاکید می شود، در حالی که در قرآن در مورد تفاوت بین ما و خدا سخن به میان آمده است.

سقوط به علت نافرمانی و طوفان نوح:

پس از نافرمانی آدم در باغ عدن، وقایع منفی فراوانی اتفاق می افتند: پیدایش فصل ۳ آیات ۷ تا ۲۴. خشونت، مرگ، درد، گرفتاری و بیماری زمین را پر می کند.

هنگامی که قائل شکایت می کند، زیرا فدیة او پذیرفته نشده بود، خدا با او درباره گناه صحبت می کند و می گوید: "اگر رفتار تو خوب بود قربانی تو قبول می شد ولی اگر خوب نباشد گناه نزدیک در کمین توست و می خواهد بر تو مسلط گردد اما تو باید او را مغلوب کنی: پیدایش فصل ۴ آیه ۷. خدا به ما می آموزد که این انسان است که می بایست بر گناه مسلط شود و آن را تحت کنترل درآورد، اما قائل نتوانست این کار را انجام دهد.

لمک، از فرزندان قائل، دو زن دارد، کسی را می کشد: پیدایش فصل ۴ آیات ۱۹ تا ۲۴. گناه بر روی زمین فزونی می گیرد، مردم خشونت رفتارهای ناشایست را تحسین می کنند و دیگر کسی به ازدواج با یک زن پایبند نیست. سپس خدا می بیند که "شرارت انسان بسیار فراوان است و تمام افکار آن ها گناه آلود است: پیدایش فصل ۶ آیه ۵. خیال دل انسان حتی از زمان کودکی بد است:

پیدایش فصل ۸ آیه ۲۱. هلاکت بشریت با سیلاب های بزرگ نتیجه آن است و فقط نوح و خانواده اش هستند که نجات می یابند و خدا دوباره از خانواده نوح شروع می کند.

خدا و تغییر نگرش او نسبت به انسان:

بلافاصله پس از طوفان، نوح قربانگاهی برای خدا بنا می کند: پیدایش فصل ۸ آیات ۲۰ تا ۲۲. قربانی سوختنی همان حیوانی که به طور کامل سوخته می شود نشانه ای است از قدردانی و آشتی. خشم خدا از بین رفته است. اما بدون قربانی کردن هیچ مصالحه ای با خدا وجود ندارد. قربانگاه نوح همانند یک کاهن یا واسطه، فدیة ای را برای انسان جدید به ارمغان می آورد. او در این جا همانند سایه ای از مسیح عمل می کند شاید جالب باشد که بدانید قربانگاه نوح در قرآن حذف شده است.

پس از آن خدا نگرش خود را نسبت به انسان تغییر می دهد و با انسان پیمان می بندد: پیدایش فصل ۹ آیات ۸ تا ۱۳ و فصل ۶ آیه ۱۸. این اولین بار است که خدا پیمان هایی را با انسان می بندد. آخرین پیمانی که خدا با انسان بسته است پیمان عهد جدید است که با خون مسیح بسته شده است. لوقا فصل ۲۲ آیه ۲۰.

عهد و پیمان خدا با مردم دارای سه ویژگی است که عبارتند از: اول این که ابتکار از خدا هست، دوم شامل وعده و پیمان های خدا می شود و سوم انتظار پاسخ از انسان است. اولین پیمانی که خدا با انسان بست پیمانی بود جهانی و شامل همه خلقت از جمله انسان و حیوان می شد. خدا وعده می دهد که دیگر همه جانداران با هم از طوفان هلاک نخواهند شد: پیدایش فصل ۹ آیه ۱۱ و نشان این پیمان رنگین کمان خواهد بود: پیدایش فصل نهم آیات ۱۲ تا ۱۵. این پیمان شامل همه در نسل های بعد خواهد بود. اما از انسان چیزی هم خواسته شده است؛ احترام به زندگی، به ممنوع و منع قتل: پیدایش فصل ۹ آیه ۶. اگر انسان به این عهد پایبند نباشد ممکن است منجر به تخریب قسمتی از خلقت و آفرینش شود. به عنوان مثال، به دلیل جنگ ها. اما حتی اگر منابع غذایی در جهان با دیگران به اشتراک گذاشته نشوند، هم نوعانمان و حتی کل جمعیت ممکن است از گرسنگی بمیرند. اما همه چیز از بین نمی رود!! این وعده خدا است.

طغیان مردم "بابل"

پس از طوفان نوح، دنیا از خانواده نوح پر از انسان می شود. همه مردم در ابتدا به یک زبان صحبت می کنند و یک قوم هستند. اما مردم دستورات خدا را فراموش کرده اند، فکر می کنند که دیگر به او نیاز ندارند، و می خواهند نام خود را برای همیشه بزرگ کنند. و همچنین نمی خواهند بیشتر در زمین پراکنده شوند. آن ها دقیقاً مخالف آن چه خدا می خواهد، می خواهند. خدا می خواهد مردم در سراسر زمین گسترش یابند، زمین را پر کرده و نام او را بزرگ کنند. اوج این پیشرفت منفی در ساخت برج بابل نمود پیدا می کند: پیدایش فصل ۱۱ آیات ۱ تا ۹.

در اینجا است که خدا وارد عمل می شود. او نمی خواهد که مردم به یک زبان صحبت کنند. این گونه است که برنامه های بشر متوقف می شوند. درسی که اینجا می توانیم بگیریم از اهمیت بسیاری برخوردار است. مراقب باشید که دیکتاتورها و استبداد زمانی رخ می دهند که مردم، سرزمینها و دولت ها، خود را جای خدا قرار می دهند. مراقب افرادی که دین و سیاست را ترکیب می کنند تا قدرت و برتری بر دیگران داشته باشند، باشید. این فرهنگ بابل است که توسط خدا تحمل نخواهد شد: مکاشفه فصل ۱۸.

فراخواندگی ابراهیم پاسخی به جهان گناه آلود:

نمایش برج بابل به شدت خدا را آزرده خاطر کرد. اما او هرگز از برنامه هایش دست نمی کشد. او طرح جدیدی را برای نجات جهان بنا می کند. او ابرام را که در اور، احتمالاً در نزدیکی خلیج فارس در جنوب عراق زندگی می کند فرا می خواند تا به سرزمینی سفر کند که به او نشان می دهد: پیدایش فصل ۱۲ آیه ۱. از آن به بعد اتفاقاتی می افتد که اثرات آن تا کنون که چهار هزار سال از آن واقعه می گذرد قابل مشاهده است.

فراخواندگی و ایمان ابرام نمونه ای از ایمان است که از شاگردان عیسی مسیح نیز انتظار می رود: غلاطیان ۳ آیات ۸ تا ۹. حرکت به سرزمینی دیگر برای ابرام سخت نیست. مردم عادی در این زمان هم ممکن است آن را انجام دهند. مهم آن است که از ابرام خواسته شده تا کشور خود، قبیله اش و حتی خانه پدرش را ترک کند. تارح، پدرش، حداقل 60 سال پس از آن که ابرام آنجا را ترک کرد زندگی کرد. سخت ترین قسمت زمانی است که خداوند از او می خواهد تا پدر و و فامیلش را ترک کند و از همین

روی آماده بودن برای ترک خانواده و والدین و فامیل چیزی است که عیسی مسیح از شاگردانش انتظار دارد: لوقا فصل ۱۴ آیه ۲۶.

ابراهیم وعده خدا را دریافت می کند: پیدایش فصل ۱۲ آیات ۲ تا ۳. در پیدایش فصل ۱۲ آیه ۳ می خوانیم: "به کسانی که تو را برکت دهند برکت خواهم داد."

از طریق ابراهیم و فرزندانش برکت خدا به همه ملت ها می رسد! ابراهیم منبع برکت برای سایر ملل جهان خواهد بود. این وعده را خدا چهار هزار سال پیش داده است. ما همچنین میوه این وعده به ابراهیم هستیم. از طریق مهم ترین فرزند ابراهیم، عیسی مسیح، ما همچون ایمان داران در گروه افرادی هستیم که نجات یافته ایم.

خداوند ابراهیم را به دلیل آن که او بهتر از دیگران بود انتخاب نکرد، خدا دنبال کسی می گردد تا بتواند از طریق او برنامه اش را به سرانجام برساند تا همه ملل جهان به سوی او بیایند. این برای ما به عنوان شاگردان مسیح نیز صدق می کند. ما بهتر از دیگران نیستیم اما خداوند می خواهد از ما برای نجات جهان استفاده کند.

زندگی یوسف به عیسی مسیح و پیروانش اشاره می کند:

شما می توانید زندگی یوسف نبی را در پیدایش فصل های ۳۷ تا ۴۸ ملاحظه کنید. شما می توانید داستان زندگی یوسف را در این فصل بخوانید. برادران یوسف از او و افکارش متنفر هستند. آن ها وانمود می کنند که یوسف توسط یک حیوان کشته شده است. اما این یوسف است که خانواده اش را از گرسنگی نجات می دهد و بقای خانواده یعقوب (اسرائیل) را برای آینده تضمین می کند.

یوسف تصویری است از عیسی مسیح. زندگی یوسف به زندگی عیسی مسیح اشاره می کند. وضع زندگی او می تواند شاخصی باشد برای مسیحیان و جامعه مسیحی. زیرا همان گونه که مردم با عیسی مسیح هنگامی که او بر روی زمین بود رفتار کردند، همان گونه نیز با شاگردانش رفتار خواهند کرد: یوحنا فصل ۱۵ آیات ۱۸ تا ۲۰.

سرنوشت یوسف تصویری است از سرنوشت مسیح و سرنوشت کلیسای او. یک انتظار بزرگ از این تاریخ وجود دارد: امیدی که به سختی می توانیم آن را دریابیم. درست همان طور که یوسف پس از رنجش، منصب و جایگاه والایی در مصر به دست آورد، عیسی مسیح پس از مرگش، در دست راست پدرنشست و ما نیز به عیسی مسیح به عنوان پادشاه ایمان داریم و او در جلال و شکوهش باز خواهد گشت: مکاشفه فصل ۵ آیه ۱۰ و فصل ۲۲ آیه ۵.